



«مضاوی الرشید»، استاد انسان‌شناسی دینی در دانشگاه لندن؛

محمد بن سلمان نمی‌تواند بحران‌ها را دیپلماتیک حل کند

ابوزیسیون در عربستان از هم پاشیده است

ترجمه: محمدعلی عسگری

اما می‌بینید که تا این لحظه چنین اتفاقی نیفتاده است. می‌گویند داریم بررسی می‌کنیم و همین‌طور به تعویق می‌اندازند.

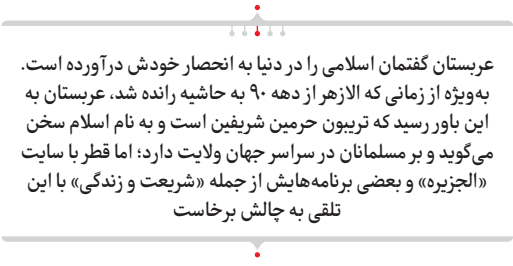
برای همین بن سلمان موفق نبوده است. او در جنگ‌های منطقه‌ای خود در یمن یا جنگ تبلیغاتی‌اش علیه قطر نیز موفق نبود. او الان تنهاست.

او خودش را پادشاه آینده فرض گرفته است. اما به سکوت همه امیران اطمینان ندارد. نمی‌تواند بفهمد اگر پدرش مرد و او پادشاه شد، واکنش آنها چه خواهد بود. آیا بعد از مرگ پدرش مصون خواهد بود؟ موضع سایر امیرانی که سلاح در اختیار دارند مثل متعب بن عبدالله، رئیس کارد ملی که مقام یک وزیر را دارد چه خواهد بود؟ آیا از کاخ حمایت خواهد کرد؟ یا اینکه او هم بر سر قدرت به رقابت برخواهد خاست؟ همه اینها سؤال‌هایی است که در ذهن او می‌چرخد. برای همین سرگردان است. در یک هفته تقریباً ۲۰ نفر را بازداشت کرد.

❧ آینده عربستان را در سایه حکومت محمد بن سلمان چگونه می‌بینید؟
من هیچ نقطه مثبتی نمی‌بینم. سعی می‌کنم نقطه مثبتی پیدا کنم؛ برای مثال اینکه به زان قدرت داده شود. او اعلام کرد چنین خواهد کرد و حتی ۳۰ زن برای حضور در مجلس شورا تعیین شدند. او همچنین سعی می‌کند بازار کار را به روی زنان باز کند. ولی همه اینها جنبه تبلیغاتی دارد. به‌لغ، کام‌هایی برداشته شده است. به‌ویژه به‌دلیل گسترش اینترنت. زنان سعودی سعی می‌کنند خودشان را در بازار کار یا در منزل یا خارج از منزل فعال کنند. اما تا این لحظه ما شاهد یک رشد اقتصادی نبوده‌ایم. شاید بازار کار به روی زنان باز شود. اما کو کار؟ اساسا ما در کشور مشکل بی‌کاری داریم. به‌ویژه جوانان و زنان در این میان بیشتر از همه در فشار هستند. برای همین از ابتدای به‌قدرت‌رسیدن پسر سلمان، تبلیغات رسانه‌ای به راه افتاده است. اما من می‌توانم با قاطعیت بگویم تاکنون هیچ کار بزرگی انجام نشده است.

❧ می‌گویند به‌لحاظ خانوادگی محمد بن نایف همچنان در خارج از کادر و ساکت است. نمی‌دانیم چه رویکردی دارد. به نظر شما آیا این مسئله می‌تواند در آینده تأثیرگذار باشد؟

آخرین عکس او ساختگی بود. در پرتو تبلیغات رسانه‌ها، او را دیدیم که بعد از کنار گذاشته‌شدن ایستاده است. محمد کوچک آمد که دست او را بپوسد. بعد از این عکس دیگر محمد بن نایف ناپدید شد. روزنامه نیویورک‌تایمز از بعضی منابع موثق در «سیا» نوشت: گفته می‌شود محمد بن نایف در صصر است. او این مسئله را رد نکرد. همچنین جایی خودش را نشان نداد که بگوید من اینجا هستم و از آزادانه در کشور می‌چرخم. به نظر می‌رسد امیران زیادی برکنار شده باشند.



عربستان گفتمان اسلامی را در دنیا به انحصار خودش درآورده است. به‌ویژه از زمانی که الازهر از دهه ۹۰ به حاشیه رانده شد، عربستان به این باور رسید که تربیون حرمین شریفین است و به نام اسلام سخن می‌گوید و بر مسلمانان در سراسر جهان ولایت دارد؛ اما قطر با سایت «الجزیره» و بعضی برنامه‌هایش از جمله «شریعت و زندگی» با این تلقی به چالش برخاست

❧ به نظر شما اگر ملک سلمان بمیرد، رقابتی بر سر تخت خواهد بود یا ممکن است شکافی در خاندان حاکم و به‌ویژه علیه محمد بن سلمان به وجود آید؟
محمد بن نایف کسی است که در زمینه کارهای اطلاعاتی و زندان و بازداشت‌ها تجربه دارد. او در خلال حکومت پدرش نایف نقش مشیت آهنین را بازی می‌کرد. برای همین من فکر می‌کردم او نقش یک دولت سایه را بازی می‌داند که اوضاع منطقه متشنج است و هرگونه اختلافی بین اعضای خانواده می‌تواند به فروپاشی کل خانواده منجر شود. ازاین‌رو منظر می‌ماند و سکوت می‌کنند. حتی بعضی از آنها با همدیگر صحبت نمی‌کنند؛ اما اینها مهم نیست. اختلاف در خاندان سعودی وجود دارد. فرقی نمی‌کند که محمد بن سلمان حاکم باشد یا محمد بن نایف. به نظر من همه اینها سر و ته یک کرباس هستند و اوضاع تغییری نخواهد کرد. بین این شاهزادگان هیچ فردی نیست که به فکر اصلاحات سیاسی باشد یا بخواهد در هر تصمیم اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی خود با جامعه مشورت کند. همه آنها به‌دنبال قدرت هستند و سعی می‌کنند اریکه قدرتشان باقی بماند و سرکوب و بازداشت‌ها استمرار پیدا کند.

❧ این وضعیت ما را متوجه شرایط ابوزیسیون عربستان می‌کند. نقش آنها در این شرایط چیست؟ آیا اصلا آینده‌ای برای آنها متصور است؟

نگاه

گرایش آلمانی‌ها به‌سیاست

بسیاری تصور می‌کردند مردم آلمان از سیاست رویگردان شده‌اند، اما موج عضویت‌های تازه در احزاب سیاسی آلمان خلاف این را می‌گوید. باز هم این احزاب بزرگ هستند که بیشترین عضو تازه را پذیرفته‌اند. بر اساس یک پرسش از دقادر مرکزی احزاب سیاسی آلمان، احزاب سوسیال‌دموکرات، چپ‌ها، سبزها، لیبرال‌ها و حزب آلترناتیو برای آلمان بیشترین عضو جدید را به خود جذب کرده‌اند. این در حالی است که حزب دموکرات مسیحی به میزان هرچند قلیل، از اعضایش کاسته شده و حزب سوسیال مسیحی فقط شمار اعضای خود را اعلام کرده و از تغییرات احتمالی سخنی نگفته است. بر اساس آخرین آمار، حزب سوسیال‌دموکرات هم‌اکنون دارای ۴۴۰ هزار و ۳۰۹ عضو است که با هفت‌هزار و ۶۰۳ عضو تازه نسبت به پایان سال ۲۰۱۶ حدود ۷۶٫۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد. مارتین شولتز، رئیس حزب سوسیال‌دموکرات، گفته که فقط تا روز چهارم پس از انتخابات حدود سه هزار نفر از طریق آنلاین تقاضای عضویت داده‌اند. حزب سوسیال‌دموکرات بزرگ‌ترین حزب سیاسی آلمان از نظر شمار اعضاست.

این حزب در آخرین انتخابات آلمان که در ۲۴ سپتامبر برگزار شد، شکست سختی را متحمل شد. اما درعوض حزب دموکرات مسیحی در سال جاری که درصد از اعضا، برابر با چهارهزار و ۳۴۶ عضو خود را از دست داده است، این حزب در پایان ماه اگوست سال جاری دارای ۴۲۷ هزار و ۵۵۶ عضو بوده است. حزب خواهر که حزب سوسیال مسیحی نام دارد و حوزه فعالیتش فقط در ایالت بایرن آلمان است، شمار اعضای خود را ۱۴۲ هزار نفر اعلام کرده، اما سیمون رهاک، سخنگوی این حزب، گفته که از زمان برگزاری انتخابات به این سو، نمی‌تواند از تغییرات در شمار اعضا آماری ارائه دهد. این دو حزب مسیحی در آخرین انتخابات درمجموع به ۳۳ درصد آرا دست یافتند و بیشترین تعداد رأی‌دهندگان خود را از دست دادند.

حزب چپ‌ها

حزب چپ‌ها اعلام کرده که شمار اعضایش در مقایسه با پایان سال ۲۰۱۶ به میزان ۲۰۴ درصد افزایش داشته که برابر است با حدود دو هزار عضو تازه. این حزب شمار کل اعضای خود را ۶۱ هزار نفر اعلام کرده است. حزب چپ‌ها در انتخابات ۲۴ سپتامبر به ۲۰۹ درصد آرا دست یافت.

حزب سبزها

حزب سبزها در سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۷ با جذب ۵۳۶ عضو تازه، شمار کل اعضایش به ۶۲هزار و ۱۳۲ نفر رسیده است. این حزب اعلام کرده که درحال‌حاضر آمار تازه‌تری در اختیار ندارد، اما می‌گوید که از زمان برگزاری انتخابات در هفت روز پیش، بیش از یک هزار نفر وارد این حزب شده‌اند.

سبزها در انتخابات اخیر ۹۰٫۸ درصد آرا را به دست آوردند.

حزب دموکرات‌های آزاد

حزب دموکرات‌های آزاد در ماه‌های گذشته حمایت چشمگیری را به خود جلب کرده است. از زمان آخرین شمارش اعضا در اواخر ۲۰۱۶ به این سو بیش از شش‌هزار و صد نفر به این حزب پیوسته و عضو شده‌اند. این حزب با ورود دوباره‌اش به پارلمان بوندستاگ دارای حدود ۶۰ هزار عضو است. لیبرال‌ها در انتخابات اخیر ۷۱٫۰ درصد آرا را کسب کردند.

حزب آلترناتیو برای آلمان

بی‌شک اعضای جدید جذب حزب آلترناتیو برای آلمان شده‌اند. این حزب از پایان سال ۲۰۱۶ به این سو چهارهزار و ۲۰۰ عضو جدید را ثبت کرده و شمار اعضایش به بیش از ۲۸ هزار نفر رسیده است. این حزب راست پوپولیست در آخرین انتخابات به ۶۰٫۱ درصد از آرا دست یافت و به سومین حزب قدرتمند در پارلمان بوندستاگ بدل شد. نسبت کسب آرا و شمار کل اعضای این حزب نشان می‌دهد که رأی بسیاری از شهروندان آلمان به این حزب، یک رأی اعتراض‌با رویکردهای دولت بوده است و نه حتماً موافقت با سیاست‌های این حزب.

درپچه

اقبال به انگلارمرکل

ترجمه: زکبه اختری

در آلمان این روزها اقتصاد رونق دارد؛ اشتغال روبه‌راه است، درآمدها بیشتر شده و در صنایع ماشین‌سازی، فناوری تجهیزات، اتومبیل و امثال آن برای کارکنان میان‌سال نیز همچنان به دلیل تجربیات و از‌خودگذشتگی‌هایشان ارزش و احترام قائل می‌شوند. بیش از ۸۰ درصد آلمانی‌ها از شرایط زندگی‌شان روی‌هم‌رفته راضی‌اند. بالاخص در ایالت‌های آلمان‌شرقی سابق، میزان این رضایت عمومی بیش از سایر ایالت‌ها افزایش داشته است، اگرچه که کمافی‌السابق از این لحاظ تفاوت آشکاری بین این دو قسمت از کشور ملموس بوده و موقعیت آنها کماکان با هم قابل مقایسه نیست.
باین‌حال بیش از ۳۰ درصد شهروندان باور دارند اوضاع در سال آینده بهتر هم خواهد شد.

این همان پدیده‌ای است که از آن تحت عنوان «مرکل- تردن» یاد می‌کنند؛ یعنی رضایت کلی مردم از دولت و وضعیتی که نمی‌گذارد آب در دل صدراعظم تکان بخورد.
آنها‌یی که مثل حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» مدام ناسزا می‌گویند و غر می‌زنند یا مثل سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها نحوه اداره کشور را به باد انتقاد می‌گیرند، به بیراهه می‌روند و صرفاً خودشان را از چشم‌ها می‌اندازند؛ وگرنه حتی آن دسته از شاغلان عرصه‌های فاقد چشم‌انداز و مجال ترقی و پیشرفت که از تحولات مثبت ۱۰ سال اخیر منتفع نشده‌اند، نیز اکنون احساس رضایت بیشتری در مقایسه با گذشته دارند. آنها اگرچه عمداً با حادترِ توان خود فعال هستند و سرسختانه به کار و تلاش می‌پردازند، این ترس را نیز در دل خود حس می‌کنند که موج جدید مهاجرت‌ها جایگاهی را که به دشواری به دست آورده‌اند از آنها بگیرد، اما از طرفی هم نمی‌خواهند بگذارند مهر معترض و شاکي و تخریب‌کننده به پیشانی‌شان بخورد. نسل امروز می‌داند که اگر مشکل و معضلی باشد، دیگر مربوط به گذشته نیست، بلکه آینده‌شان را هدف گرفته است. حال وقتی چنین روحیه‌ای در جامعه حاکم شود، صدراعظمی مثل آنکلا مرکل نیاز است؛ کسی که قول اضافی نمی‌دهد، ولی درعوض تلویحا اشاره می‌کند که تمام سعی‌اش با وجود دشواری‌های پیش‌رو بر آن است تا وضع موجود تحت‌تأثیر بحران‌های بین‌المللی به مخاطره نیفتد. مسئله فقط اینجاست که حس رضایت و امیدواری مردم، به‌تازگی با احساسی ناخوشایند و دورنمایی مبهم در هم آمیخته شده است. دوسوم از آلمانی‌های بین ۵۵ تا ۷۵ ساله در رابطه با دورنمای فردای فرزندانشان مدعی‌اند که آنها در آینده حداقل از وضعیتی مشابه آنچه در خانه پدری خود داشته‌ند هم به‌سختی بهره‌مند خواهند شد، چه برسد به اینکه آن را بهبود نیز ببخشند. نکاپو و جنوب‌جوش دوران پس از جنگ جهانی در آلمان که از رویکردی مبتنی بر شعار «بعد از شکست در جنگ و تجربه نسل‌کشی، فقط حرکت رو به جلو، بازگشت به گذشته هرگز، حاصل شده بود، دیگر سیری شده است. بلکه بیشتر با حسی دلهره‌آور طریقم که نکند شکوفایی جدید اقتصادی این کشور دوامی نداشته باشد؟ گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که نسل جوان به سمت آینده‌ای با دورنمای شغلی نامعلوم



می‌رود که در آن نابرابری اجتماعی عمیق‌تر خواهد شد و بی‌ثباتی در سیاست بین‌الملل افزایش خواهد یافت و بحران زیست‌محیطی به اوج خود خواهد رسید. به عبارتی دیگر اگر مصیبتی در کار باشد، در آینده یافت خواهد شد، نه در گذشته.

آیا آلمان واقعا باید دوباره خود را تسلیح کند تا ناتو بتواند تعهدات خود را در هنگام مواجهه با تهدیدات روسیه و در چارچوب سیاست جدید انتقام از مناطق توسعه‌نیافته جهان جامه عمل بپوشاند؟ احتمال وقوع جنگ بار دیگر قوت گرفته و حملات تروریستی که گمان آن نمی‌رفت، به حقیقت پیوسته‌اند. وانگهی در آلمان هم یک طبقه جدید اجتماعی به منصف ظهور رسیده که در آن گروهی به دراختیارداشتن همه امکانات ایده‌آل رفاهی مغرور هستند و حال آنکه از سویی دیگر درآمد درصدی از افراد جامعه به زحمت کفکاف حل شدن ضروری زندگی را می‌دهد که این خود رنگ خطر جدی‌شدن فاصله طبقاتی در این کشور را به صدا درآورده است. این پریشانی و اضطراب در آلمان مربوط به مشروعیت مبهم سیستم آسیب‌پذیری است که بنیان‌های کل سبک زندگی ما را می‌سازد. مارتین شولتس، کاندیدای حزب سوسیال‌دموکرات برای دستیابی به جایگاه صدراعظمی آلمان، در اولین کمپین انتخاباتی‌اش به این مسئله اشاره کرد و قول عدالت اجتماعی و استفاده از فرمولی را داد که برای هر موضوعی کارایی داشته و قابل اجرا باشد و بتواند بین تضاد رضایت از یک وضعیت و نگرانی از کل سیستم ناهم برقرار کند. این صدای متفاوت در ابتدا مورد استقبال قرار گرفت؛ صدایی که می‌خواست فکری به حال وخامت پنهان اوضاع کند. اما شولتسن در نهایت مردم را قال گذاشت؛ آنها مشتاق بودند که یک برنامه تنظیم‌شده برای حرکت رو به جلو را بشنوند، اما او فقط یک‌سری پیشنهاد ارائه کرد که صرفاً بر مرور و بازبینی تصمیمات گذشته دولت تمرکز داشت. قانون‌های مرتبط با حقوق بی‌کاری و پیشبرد سیاست موسوم به «سند اصلاحات اشتغال و سیستم رفاهی» که یادگار دولت گرهارد شرودر (۲۰۰۵-۱۹۹۸) بر جای مانده است، با نگرانی‌های فقلی جامعه آلمان در مورد آینده همپوشانی ندارد. بر اکثریت مردم هم روشن است که نمی‌توان مشکلات و معضلات را با راه‌حل‌های ساده و آتی از میان برداشت. شهروندان آلمانی در پی آینده‌ای هستند که بتوان به آن ایمان داشت. آنها سیاست‌مدارانی را انتظار می‌کشند که به‌روز باشند، واضح و شفاف صحبت کرده، وضعیت موجود را بشناسند و بتوانند آن را به‌روشنی تشریح کنند و در ترسیم راه از قدرت تنظیم و ساماندهی پایان آن برخوردارند؛ پایانی که پیش‌بینی‌ها را برهم زنند. آینده برای همه یکسان نیست، اما برای اینکه اصلا ایده‌ای در کار باشد، همه باید تلاش کنیم و قدمی برداریم.

منبع: **نوی روزر** **شیر ساینتوگ**